

روایت در جایگاه تحقیق و تحقیق در جایگاه روایت:

نکات اشتراک و افتراق

محسن نوغانی *

اعظم عباچی **

چکیده

روایت کنشی قدیمی است که هنوز هم در سراسر جامعه مدرن در هزاران شکل از رمان گرفته تا بازی‌های رایانه‌ای نمود یافته است. در عین حال هنوز حوزه تحقیق روایی از نوین‌ترین رویکردهای پژوهشی است. از این رو به سرعت در حال تحول می‌باشد. این مقاله به بررسی شکل نو ظهوری از تحقیق روایتی، به عنوان روایت در جایگاه پژوهش (NAR) می‌پردازد. ابتدا به بررسی فرم آشنای تحقیق روایتی می‌پردازیم که تحقیق در جایگاه روایت (RAN) است و بر مبنای ابزار پژوهش استاندارد (به عنوان مثال، مصاحبه‌ها، مجلات ...)، و بر پایه مشارکت جمعی و تجارب شرکت‌کنندگان به طریق ترکیب روایی طراحی شده است. در ادامه آن را از نظر اشاعه و مخاطب، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل، بیانیه هدف و تم بررسی می‌کنیم. در رویکرد روایت در جایگاه پژوهش (NAR) زبان و شکل روایت، ذهنیت و تعمیم و معیارهای ارزیابی بررسی می‌شود. در مقابل RAN که فرایند ترکیب روایت، ثانویه است و مشارکت جمعی در پژوهش بسیار حیاتی است، در NAR روند ترکیب روایت به عنوان مهم‌ترین ابزار مقدماتی جمع‌آوری دانش است و بر تشریح مساعی شرکت‌کنندگان تکیه نمی‌کند. مقاله حاضر به کاوش در معیارهای بدیلی که برای پژوهشگران روایتی مطرح شده‌اند پرداخته و در کل، برخی توافقات و همپوشی‌ها بین این معیارها دیده می‌شوند.

واژگان کلیدی: روایت، روایت‌گری، رویکرد روایتی RAN، رویکرد روایتی NAR.

مقدمه

واژه روایت‌شناسی توسط تودروف^۱ فرانسوی در سال ۱۹۶۹ ابداع و به پژوهش علمی تبدیل شد (ریزمن، ۱۹۹۳). روایت‌شناسی با ساختارگرایی در زمینه نقد ادبی آغاز شد. ساختارگرایی به کاربرد مدل‌های زبانی در ادبیات پی برد و پژوهش‌های روایتی را دگرگون ساخت. در این روش با وام گرفتن از روش‌های زبان‌شناختی، عناصر ادبی به وسیله جایگاه‌شان در شبکه روابط و نه با پذیرش مدل علت و معلولی^۴ (تجربی و عقلانی) موجود در علوم قدیمی توجیه می‌شود (پولکینگورن، ۲۰۰۷). روایت‌شناسی به جای توجه به چیستی، به چگونگی بیان روایت می‌پردازد. هر روایت دارای دو سطح رو بنا و زیر بنا است. سطح زیر بنایی، بازنمای همه اطلاعات اولیه و اساسی مربوط به شخصیت‌ها و رخدادهایی است که در نظم زمانمندانه داستان را می‌سازند (تولان، ۱۳۸۶، ص ۳۱). اما روایت، رو بنایی است که از اطلاعات اولیه داستان بهره می‌گیرد و این اطلاعات خام و ساده را در هم می‌ریزد، سپس آنها را به شکلی هنرمندانه کنار هم قرار می‌دهد تا یک اثر ادبی شکل گیرد، چنان‌که می‌توان گفت داستان عبارتست از زیرساخت چیستی متن و روایت شامل روساخت و چگونگی آن است. گفتمان روایی تمایزی میان چیستی امر روایت شده و چگونگی انتقال داستان است (ریسون کنان، ۱۳۸۷، ص ۱۲-۱۷). روش روایتی در اصل بین رشته‌ای است و از رویکردهای تفسیری در علوم اجتماعی توسعه یافته است. روش روایتی برای بررسی‌های کیفی و کسب داده‌های غنی از بین داستان‌ها مناسب است (بیچ، ۲۰۰۶، ص ۱۷). یکی از موارد اصلی و مهم تصحیح و پالایش روایت به شکلی که معمولاً در یک محیط پژوهش کیفی به کار می‌رود در ماهیت تسلسل زمانی داستان گفته شده قرار دارد. یک روایت داستانی را با توالی زمانی بیان می‌کند. این مفهوم توسط ارسطو در کتاب اشعارش^۷ بیان شد، همان‌طور که وی یک روایت ایده‌آل را با وجود برخورداری از شروع و وسط و پایان شرح می‌دهد (ارسطو، ۱۹۶۷) و نظریه پردازان مدرن در حوزه بررسی روایتی بیشتر مفهوم روایت را به‌عنوان تعیین توالی زمانی می‌پذیرند. یک روایت، بازگویی یک داستان، مجموعه‌ای از رویدادها در یک توالی زمانی است (کوهن و شایرز، ۱۹۸۸^۸، ص ۱).

1narratology

2Todorov

3Riessman

4Model cause and effect

5Polkinghorne

6Beech

7Aristotle in his Poetics

8Cohan & Shires

کاربرد شیوه روایتی منجر به داستان‌های باورپذیر، نمایش‌های قانع‌کننده و شرح‌های تاریخی معتبر می‌شود. انسان‌ها از فرم روایتی به منزله نوعی از شیوه اکتشافی استفاده می‌کنند تا واقعیات مربوطه را تنظیم و آنها را در نوعی نظم منطقی سامان دهند. هنگامی که انسان‌ها به تشریح و بیان دانسته‌های فرد می‌پردازند، ما آن را به صورت یک داستان می‌شنویم. بدین معنا که واقعیت بر ما آشکار می‌شود. داستان‌ها محصول نهایی شیوه روایتی شناخت هستند. انسان‌ها به بیان انواع مختلف داستان اعم از کلامی، نگارش یافته یا بازنمایانه دیداری می‌پردازند.

در پاسخ به سؤال اساسی در مورد اینکه «روایت چیست؟» باید گفت که در اثر مشهور تونکین (۱۹۹۲)، جمبرلین و تامسون^۱ (۱۹۹۸) به طور واضح بیان و تعریف نمی‌شود؛ ثانیاً روایت اغلب به عنوان داستان تعریف می‌شود که در اثر مشهور جاسلسون و لیبلیش^۲ (۱۹۹۳) و میلر^۳ (۲۰۰۰) به این صورت بوده است؛ در رویکرد سوم روایت به عنوان یک پژوهش یا تحلیل در نظر گرفته می‌شود و چیزی است که محقق به صورت روش‌شناسی و تحلیل انجام می‌دهد (پال، ۲۰۱۳، ص ۶۴۲).

بنابراین کلاندینین و کونلی^۴ (۲۰۰۰، ص ۴) رویکرد خود را «تحت عنوان پژوهش روایتی با توجه به پدیده و روش مورد تحقیق» توصیف می‌کنند و ریزمن (۱۹۹۲، ص ۱) این‌طور مطرح می‌کند «در تحلیل روایتی هدف پژوهش همان داستان است...». پژوهش روایتی یک روش‌شناسی و مجموعه‌ای از ایده‌ها و مفاهیم گسترده را ارائه می‌دهد و دارای یک روش از پیش تعیین شده یا تکنیک خاصی نیست و پاسخگویی به پویایی‌های بافت تحقیق را تشویق و ترغیب می‌کند. شیوه روایت‌گری بخش عمده‌ای از جهان داستان را فرا می‌گیرد، به گونه‌ای که نمی‌توان بین سطح داستان و سطح گفتمان روایتی تفکیکی قائل شد. یک نویسنده پسامدرن در جایگاه یک فیلسوف قرار دارد، متنی که می‌نویسد، اثری که خلق می‌کند، زیر سلطه قوانین از پیش تعیین شده نیستند (حقیقی، ۱۳۷۸، ص ۴۱).

روایت‌گری به منزله موضوعی مسئله‌ساز در کانون توجه پسامدرن قرار می‌گیرد. در فلسفه مدرنیسم برای حل مسئله از عقلانیت؛ حقیقت مطلق و کاربرد روش‌های علمی در رویکردهای واقع‌گرایی و تجربه‌گرایی استفاده می‌شود. پست مدرنیسم مفهوم «حقیقت عینی» را زیر سؤال برد؛

1Tonkin

2Thompson & Chamberlain

3Josselson & Lieblich

4Miller

5Clandinin and Connelly

این فلسفه به «ساختار بافتمند معنی و ارزش دیدگاه‌های مختلف» تأکید دارد که دانش به وسیله مردم ساخته می‌شود؛ واقعیت در دیدگاه‌های مختلف متفاوت است؛ اساس حقیقت در زندگی روزمره و روابط اجتماعی است؛ زندگی یک متن است اما تفکر یک فعل تفسیری است، حقایق و ارزش‌ها جدایی‌ناپذیر هستند و علم و همه فعالیت‌های انسان دارای بار ارزشی هستند (اینگهولم، ۲۰۰۱). بسیاری از مقالات در مورد جنبه‌های کاربردی روش روایتی، پژوهش‌هایی در مورد کاربرد این روش مخصوصاً در علوم سازمانی ارائه کرده‌اند. این مقالات نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از روش روایتی برای شناخت تغییر سازمانی استفاده کرد و یا اینکه چگونه منجر به تغییر فرهنگی می‌شود (بیچ، ۲۰۰۰، ص ۲۱۵). داستان‌گویی می‌تواند در انتقال دانش پیچیده و تلویحی مؤثر باشد و به‌عنوان یک منبع ارتباط ضمنی^۳ نیز عمل می‌کند. داستان‌هایی که در یک بافت فرهنگی برای پیشبرد ارزش‌ها و باورهای معین گفته می‌شوند می‌توانند در ساخت هویت فردی یا مفهوم جامعه کمک کنند (امبرسینی و باومن، ۲۰۰۴). بنابراین، مطالعه روایت مطالعه راه‌های تجربه انسان از جهان است.

هدف از این مقاله پس از بررسی چستی روایت، بررسی و کمک به ترسیم شکل جدیدی از پژوهش روایتی است که فرایند ساخت داستان را مورد تأکید قرار می‌دهد، که در مقابل بسیاری از سبک‌های مستقر در پژوهش روایتی، در زمینه آموزشی بر روی دستورالعمل‌های استاندارد پیشین کشیده می‌شود (به‌عنوان مثال، مصاحبه‌ها، مجلات) و عمدتاً به‌طور ثانوی از ساخت روایت به‌عنوان ابزار انتشار یافته‌ها استفاده می‌کند. این رویکرد جدید روایت در جایگاه تحقیق^۴ (NAR) است، در حالی که فرم آشنای تحقیق روایی، تحقیق در جایگاه روایت (RAN)^۶ است. برای اینکه بتوانیم هم جنبه‌های امیدوارکننده و هم جنبه‌های مشکل‌ساز آن را بررسی کنیم ابتدا به تمایز میان داستان و گفتمان روایی از طریق روش RAN پرداخته و سپس مسئله آمیختگی بین اینها و گفتمان روایی از طریق روش NAR مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ظهور روش‌شناسی روایتی در علوم اجتماعی

یکی از روش‌هایی که دنیای خود را معنی‌دار می‌کنیم همین داستان‌های زندگی و صحبت در مورد

1 value-laden

2 Engholm

3 implicit communication

4 Ambrosini and Bowman

5 Narrative as Research (NAR)

6 Research as Narrative (RAN)

آنهاست. آنچه که جدید است ظهور روش‌شناسی روایتی در زمینه پژوهش‌های علوم اجتماعی است (کلاندینین و روسیک، ۲۰۰۷^۱، ص ۳۵). جامعه‌شناسی دارای تاریخچه زیادی در پژوهش‌های قوم‌شناسی است. همچنین در انسان‌شناسی نیز از رویکردهای قوم‌شناسی و روایت‌های مختلف به شکل تاریخچه زندگی استفاده شده است مثل بررسی داستان‌های زندگی معمولی غیررسمی بومی‌های آمریکا در قرن نوزدهم (رایزمن، ۱۹۹۳). با این حال روش روایتی با تحلیل‌های قوم‌شناسی و متنی متفاوت است. در علوم اجتماعی بر تحلیل متن مثل هرمنوتیک، تحلیل گفتمان و محاوره تأکید شده است، ساختارگرایی اجتماعی سؤال عینیت متن در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را مورد تردید قرار داده است و بسیاری را ترغیب کرده تا زبان را مورد بررسی قرار دهند. تحلیل روایتی از این نظر که نکته اصلی آن تفسیری است با تحلیل‌های قوم‌شناسی و متنی تفاوت دارند (بادی یانگ، ۲۰۱۲^۲). تمامی آموزه‌های روایتی ما با داستان آغاز می‌شوند و تاریخ نمی‌تواند از روایت‌گری رهایی یابد. این حلقه از چرخه دانش بر نحوه دستیابی به گزارشی از واقعیت، معطوف است نه خود واقعیت و تعقلی را که شامل استدلال برای چرایی و چگونگی دستیابی به واقعیت است، دربر می‌گیرد.

نگاهی به تعاریف روایت‌شناسی پسا ساختارگرا

شاید بتوان روایت‌ها را این‌گونه تعریف کرد، شخصیت اصلی چگونه موضوعات را تفسیر می‌کند. برانر و پولکینگورن^۳ (۲۰۰۷) روش روایتی را به‌عنوان فرایند ایجاد یک واحد محصول نهایی تعریف می‌کنند. داستانی دارای طرح و موضوع، که به صورت منطق درونی داستان عمل می‌کند. روایت‌ها می‌توانند به صورت نوشتاری یا گفتاری باشند. در دیکشنری آنالین و بستر^۴ روش روایتی به صورت «ارائه به صورت یک واقعه یا داستان» تعریف شده است. روایت‌ها معمولاً به‌عنوان ارائه یا توصیف توالی وقایع در نظر گرفته می‌شوند (پال، ۲۰۱۳^۵، ص ۶۴۰).

در حالی که تعریف‌های متعددی وجود دارد، اما تعریف کونلی و کلاندینین^۶ (۲۰۰۶) مناسب‌تر به نظر می‌رسد. زندگی روزانه مردم از داستان‌هایی در مورد اینکه آنها و دیگران چه کسانی هستند تشکیل می‌شود و گذشته خود را بر اساس این داستان‌ها تفسیر می‌کنند. در اینجا

1Clandinin and Rosiek

2Buddy Young

3bruner & Polkinghorne

4Merriam-Webster

5Paul

6Connelly and Clandinin

داستان دروازه‌ای است که فرد از طریق آن وارد دنیا می‌شود و تجربه جهانی او از این طریق تفسیر و معنی دار می‌شود. کلاندینین (۲۰۱۰) مصاحبه تحقیق روایتی را یک روش بسیار قدیمی می‌داند. در بلاغت جدید، روایت نوعی از بیان است که با عمل، با سیر حوادث در زمان و با زندگی در حرکت سروکار داشته باشد.

رایزمن و اسپیدی^۱ (۲۰۰۷، ص ۴۲۸) به خوانندگان اخطار می‌دهند که انتظار دریافت تعریفی واضح و ساده از روایت را نداشته باشند که بتواند تمامی کاربردها را دربر بگیرد. آنها بیشتر تأسف می‌خورند که این عبارت به هر چیزی و هیچ چیزی تعریف می‌شود. در واقع عمل تعریف روایت به طور متناقضی با سادگی بالقوه تعریف مصداقی که روایت همان بیان یک داستان است پیچیده می‌شود، اما سهولت و سادگی این تعریف، خطر فراگیر شدن بی‌سود و بی‌فایده‌ای را می‌پذیرد. به طور مثال تصویر مشهوری از یک کودک سوخته ناپالمی^۲ در حال فرار از یک روستای بمباران شده در ویتنام^۳ به درستی، گفتن یک داستان است. بنابراین آیا ما می‌بایست این تصویر را یک روایت بپنداریم؟ کلاندینین و کونلی (۲۰۰۰) در اثر اصلی خود یعنی بررسی روایتی تجربه و داستان در تحقیق کیفی^۴ و کلاندینین و مورفی (۲۰۰۷، ص ۶۳۶) پس از بحث با میشلر، پکینگورن، لیبلیچ^۵ به وضوح اظهار داشتند که ما نمی‌توانیم مرزهای بررسی و تحقیقات روایتی را اداره و کنترل کنیم. به اعتقاد پورتر ابوت^۶ (۲۰۰۲) روایت «ارائه (بازنمود) یک واقعه یا مجموعه‌ای از وقایع» است. چیزی باید اتفاق افتاده باشد؛ توصیف یا برشمردن چیزی روایت محسوب نمی‌شود. همچنین گزارش‌های واقعی که در طی زمان رخ می‌دهند و توالی مشخصی دارند نیز روایت نیستند. روایت نوعی بازی کردن در بیان این گزارش‌هاست که قابل تغییر و انعطاف است. ما به‌عنوان نویسنده به صورت روایتی فکر می‌کنیم و داستان را مورد بحث قرار می‌دهیم و یا آن را رد می‌کنیم. بر اساس نظر ابوت روایت با منازعه (مبارزه طلبی) شروع می‌شود که در اصطلاح علوم اجتماعی می‌توان گفت که روایت تفسیر (تعبیر) حکایت است. نظریه پردازان مدرن در حوزه بررسی روایتی بیشتر مفهوم روایت را به‌عنوان بازگویی یک داستان در مجموعه‌ای از رویدادها با تعیین توالی زمانی می‌پذیرند.

مشخصه متمایزکننده احتمالی دیگر روایت، تمرکز بر انسان‌هاست. روایت از توالی منحصر به

1 Riessman and Speedy

2 napalm-burned child

3 Vietnamese

4 Experience and Story in Qualitative Research

5 Mishler, Polkinghorne, Lieblich, Murphy

6 Porter Abbott

فردی از رویدادها، حالات ذهنی، اتفاقات مربوط به انسان در جایگاه شخصیت‌ها و بازیگران روایت تشکیل می‌شود (برونر، ۱۹۸۶، ص ۴۳). اما مجموعه کتب داستانی جدید در واقع شامل کتاب‌هایی است که هیچ‌گونه شخصیت انسانی ندارند (چیس، ۲۰۰۵، ص ۶۵۳). با این وجود، بادی یانگ (۲۰۱۲) تصور می‌کند که یک تمرکز انسان‌محور می‌تواند مشخصه‌ای باشد که عملاً روایت را تعریف می‌کند، به اعتقاد وی اگر چنین تصور کنیم با می‌بایست شخصیتی انسانی داشته باشیم و یا کاراکترهایی انسان‌نما داشته باشیم. دامنه روایت کاملاً گسترده و وسیع می‌باشد. از این رو روایت رمان‌های بلند، داستان‌های کوتاه، نمایش‌های تلویزیونی، افسانه‌ها، حکایات، آهنگ‌ها، تصاویر موسیقی، داستان‌های کمدی، نقاشی‌ها، تبلیغات، مقالات، زندگی‌نامه‌ها و صورت حساب‌ها و اخبار را دربر می‌گیرد. این فهرست با توسعه و پیشرفت اشکال جدید از قبیل بازی‌های کامپیوتری و وب‌ایزودهای اینترنتی (قسمت‌های اصلی یک مجموعه تلویزیونی که برای پخش و مشاهده آنلاین آماده می‌شود) ادامه خواهد یافت. لیبلیچ و تووال-ماشیک (۱۹۹۸) این روش تحقیق را برای بررسی تجارب زندگی مناسب می‌دانند. کنولی و کلاندینین (۲۰۰۶) خاطر نشان می‌کنند که تحقیقاتی که با این ماهیت انجام می‌شوند مستلزم همکاری محقق و شرکت‌کنندگان است و ابعاد زمانی، همدلی و شرایط تعامل اجتماعی باید در نظر گرفته شود (پال، ۲۰۱۳، ص ۶۳۹). فرایند ساخت دادن داستان‌ها، فرایندی طبیعی است که به افراد کمک می‌کند، خودشان و تجارب‌شان را بفهمند.

سطوح تحلیل در پژوهش روایتی

در پارادایم تفسیری، شناخت تجربه زنده کنشگران می‌تواند به ایجاد یک چارچوب نظری بینجامد. نیلسن^۹ (۲۰۰۵) نیز به ایجاد نظریه با توجه به ماهیت کیفی تحقیق توجه می‌کند. تجارب هر روز فرد از طریق تفسیرها و توضیحات محققان به دانش نظری تبدیل می‌شود و در نتیجه داده‌های تجربی به نظریه تبدیل می‌شوند. روش‌های روایتی یا داستان‌محور در سیستم‌های اطلاعاتی و

1 Bruner

2 Chase

3 symbolizing human

4 novels

5 anecdotes

6 internet webisodes

7 tuval-mashiach

8 Paul

9 Nilsen

پندآموز استفاده می‌شوند.

این روش تأکیدی هم به روی آنچه که اتفاق افتاده است و هم بر روی معنایی است که فرد از آنچه اتفاق افتاده به دست می‌آورد. با این روش به آسانی می‌توان فهمید که افراد تجربه‌های خود را چگونه معنا می‌کنند و این روش ماهیتاً یک روش کیفی است. از این روش در انسان‌شناسی، آموزش، علوم اجتماعی، پزشکی، مطالعات جامعه‌شناسی، مطالعات بین فرهنگی، استفاده شده است (پال، ۲۰۱۳، ص ۶۴۰). دیگران عباراتی از جمله بررسی و تحقیق استادانه نوشتن به‌عنوان تحقیق و تحقیق روایتی را ارائه کرده‌اند (کوهن و کلاندینین، ۲۰۰۰؛ کرسول، ۲۰۰۸). عبارت آخر یعنی تحقیق روایتی، سازماندهی شده‌ترین و پرکارترین عبارت در حوزه خاص علوم انسانی و تحقیق بر اساس اطلاعات ادبی است (کرسول، ۲۰۰۸).

علی‌رغم پذیرش نسبی این عبارت، دانشمندان هنوز با تعریف دقیق عبارت تحقیق روایتی و حتی خاستگاه این عبارت مخالف‌اند. از نظر رایزمن و اسپیدی (۲۰۰۷)، شوانت (۲۰۰۷) تحقیق روایتی، مطالعه بین رشته‌ای از فعالیت‌ها از جمله جمع‌آوری و تحلیل داستان‌هایی از تجربیات زندگی (به‌طور مثال تاریخ زندگی مصاحبه‌های روایتی، مصاحبه‌ها، خاطرات، زندگی‌نامه‌ها، شرح حال‌ها) و گزارش‌دهنده نوع تحقیق است.

گزارش دادن به‌طور معمول شکل بازگردانی تجربیات تحلیل شده (متن میدانی) را به شکل یک اثر داستانی (متن تحقیقی) که توسط محقق نوشته می‌شود تغییر می‌دهد. تحقیق روایتی به‌عنوان تحقیق کیفی (کرسول، ۲۰۰۷) دسته‌بندی می‌شود اما در بسیاری از حوزه‌های جوان و متغیر تحقیقات علوم اجتماعی، تحقیق روایتی در غیر این صورت در حالتی که می‌تواند اشکال گوناگونی به خود بگیرد مبهم می‌باشد. به‌طور مثال تحقیق روایتی ممکن است شکل تحقیق تاریخی و تحقیق قوم‌نگاری را به خود بگیرد (چیس، ۲۰۰۵). در واقع کلاندینین و کونلی (۲۰۰۰، ص ۹۷) ادعا می‌کنند که تحقیق روایتی قابل تغییر و مناسب با هر قالبی که هر تحقیق روایتی سعی

-
- 1artful research
 - 2writtily as inquiry
 - 3narrative inquiry
 - 4creswell
 - 5schwant
 - 6memoirs
 - 7autobiographies
 - 8biographies
 - 9field text
 - 10research text

در انجام آن دارد می‌باشد و ریتم‌ها و توالی‌های خاص خود را دارد و هر محقق روایتی می‌بایست با آنها تحقیق خود را به اتمام برساند.

کاترین کولر ریزمن (۲۰۰۸) در روش‌های روایتی سه سطح را برای بررسی و تحلیل بیان می‌کند:

۱. داستان‌هایی که توسط مشارکان تحقیق بیان می‌شود؛

۲. تفسیرهای محققان (روایتی از روایت)؛^۲

۳. بازساخت‌های خوانندگان.^۳

این موضوع با سه مرحله کار عملی، تحلیل و نگارش مطابقت دارد.

روش‌شناسی پژوهش‌های روایتی

کولر ریزمن (۲۰۰۸) چهار رویکرد روش‌شناسی را نیز توصیف می‌کند که انواع مختلف پژوهش‌های روایتی را از هم جدا می‌کند:

۱. تحلیل موضوعی: (بن مایه) که منحصرأ بر زمینه (بافت) تمرکز می‌شود (حداقل تمرکز بر چگونگی بیان و یا نوشتن روایت است). این شکل تحلیل مشابه نظریه زمینه‌ای^۴ است. اما در اینجا داستان بی‌کم و کاست بیان می‌شود و اغلب از مفاهیم نظری اولیه استفاده می‌شود، در صورت و زبان تحقیق، معنای موضوعی و شناخت «نکته اصلی» روایت مورد تأکید قرار می‌گیرد. روش‌های روایتی معمولاً به بافت (زمینه) کلان متمرکز می‌شوند در حالی که بافت محلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛

۲. تحلیل ساختاری: علاوه بر تحلیل محتوا، رویکردهای ساختاری نیز به شکل روایتی اهمیت می‌دهند و به دنبال بیرون کشیدن معنای پنهان (زیرین) موجود در فعالیت‌های ارتباطی هستند. ساختار می‌تواند به معنای ژانر، طرح داستان یا صورت زبان‌شناختی باشد و اغلب برای اینکه بفهمیم که این روایت چگونه ترکیب شده است باید به جزئیات صحبت‌ها توجه داشته باشیم. تمرکز بر چگونگی سازماندهی محتوا می‌تواند در شناخت آنچه که در ورای گفته‌های روایت وجود دارد به ما کمک کند؛

1 Catherine Kohler Riessman

2 narrative of narrative

3 reader's reconstruction

4 Thematic analysis

5 grounded theory

6 Structural analysis

۳. تحلیل گفتگو/عملکرد: در اینجا سؤال بر سر این است که چه کسی و در چه زمانی روایت می‌کند و چرا مورد توجه قرار گرفته است. در تحلیل گفتگو/عملکرد داستان‌ها به‌عنوان برساخت‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند که بیشتر در مورد جامعه/فرهنگ صحبت می‌کنند تا در مورد فرد/گروه. این رویکردهای تحلیلی ترکیبی از سنت‌های مختلف هستند که به ماهیت رابطه متقابل واقعیت‌های اجتماعی تأکید دارند؛

۴. تحلیل روایتی بصری: در این رویکردها برای بررسی اینکه هویت‌های فردی و جمعی چگونه از نظر بصری ایجاد می‌شوند از ادغام کلمات و تصاویر (عکس، نقاشی، فیلم و کولاژ...) استفاده می‌شود. ریزمن معتقد است که برای تحلیل روایتی بصری سه موضوع دیگر باید تحلیل شود: داستان تولید تصویر، خود تصویر و اینکه چگونه باید خوانده شود.

در تحلیل ساختاری روایت‌ها به عناصر صوری تأکید می‌شود این تحلیل با یک سیستم ترکیبی دو بعدی عمل می‌کند که مجموعه‌ای از داستان‌هایی که داستان مورد نظر از بین آنها انتخاب شده و عناصر آن آرایش خاصی دارند را تشکیل می‌دهد. در بعد پارادایمی همه عناصری که ممکن است در داستان ظاهر شود را طبقه‌بندی می‌کنیم: وقایع، شخصیت‌های اصلی، شاهدان، موقعیت‌ها، شروع‌ها، پایان‌ها، بحران‌ها و نتایج اخلاقی، در بعد زنجیری^۱ این عناصر خاص به صورتی تنظیم می‌شود که بتوان آنها را در طول روایت مقایسه کرد و آنها را به متغیرهای زمینه ربط داد. همه مجموعه‌های روایتی بر اساس این ساختار دو بعدی برنامه‌ریزی می‌شوند.

1 Dialogic/performance analysis

2 Visual narrative analysis

3 syntagmatic

جدول ۱: نمود مشخصه‌های تحقیق کیفی در یک محیط روایتی (هوگلند و وایب، ۲۰۰۹)

روند مراحل پژوهش	ویژگی‌های تحقیق کیفی	ویژگی‌های تحقیق روایت
۱. شناسایی مسئله پژوهش	یک مسئله کیفی به اکتشاف و درک نیاز دارد.	محققان روایتی به دنبال درک و ارائه تجربه از طریق داستان‌هایی که فرد (بازدیدکنندگان) زندگی می‌کنند و می‌گویند.
۲. نقد و بررسی ادبیات	ادبیات پژوهشی نقش جزئی دارد. محققان کیفی از ادبیات برای توجیه مسائل تحقیقات خود استفاده می‌کنند.	محققان روایتی پیش‌زمینه شرکت‌کنندگان داستان و پس‌زمینه ادبیات پژوهشی، به‌عنوان مثال، آنها ممکن است ساختار و زمینه تحقیقات خود را به جای اینکه از طریق متعارف یعنی بررسی ادبیات و یا چارچوب نظری به دست آورند آن را از طریق گزارش داستان شرکت‌کنندگان به دست می‌آورند. ادبیات پژوهشی ممکن است راهنمایی برای چگونگی ارائه تفسیر داستان‌های شرکت‌کنندگان باشد (به‌عنوان مثال، پیدا کردن عمیق‌تر معنا و فهم جدید از طریق آنها).
۳. توسعه بیان هدف و سوالات پژوهش	بیان هدف کیفی و سوالات پژوهش گسترده و کلی هستند. هدف کیفی و سوالات پژوهش به دنبال تجارب شرکت‌کنندگان هستند.	محققان روایتی به دنبال کشف معنای تجربه فرد از طریق بیان داستان هستند.
۴. جمع‌آوری داده‌های کیفی	محققان کیفی جمع‌آوری داده‌های پروتکل‌ها را در طول مطالعات خود توسعه می‌دهند. جمع‌آوری داده‌های کیفی شامل جمع‌آوری متن یا تصویر داده است. شامل مطالعه کوچک تعدادی افراد و سایت‌ها.	محققان روایتی متون میدانی که مستند داستان‌های اشخاص در کلمات خودشان است جمع‌آوری می‌کنند (به‌عنوان مثال، متن مصاحبه، نامه‌ها، خاطرات اشخاص)
۵. تحلیل و تفسیر داده‌های کیفی	تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی شامل تجزیه و تحلیل متن. تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی شامل توصیف اطلاعات و تم‌های در حال توسعه تفسیر کیفی یافته‌های واقع شده در معانی بزرگ‌تر.	محققان روایتی با تحلیل داستان‌های شرکت‌کنندگان توسط بازگویی آنها در یک چارچوب مشخص معنا سازی می‌کنند (برای مثال، گاه‌شناسی، پلات). این اغلب شامل شناسایی تم‌ها یا مقولاتی از اطلاعات در داستان شرکت‌کنندگان است (به‌عنوان مثال، زمان، محل، طرح، صحنه). محققان ممکن است داستان‌های شرکت‌کنندگان را در درون یک توالی زمانی (اول، وسط، آخر) بازنویسی کنند و/یا به صورت پلاتی درآورند که دارای یک شخصیت اصلی است که تجربیاتی از تضاد و مبارزه دارد و محققان این موارد را به نوعی، وضوح می‌بخشند.

ارزش روایتی مطالب تحقیق روایتی

مفهوم کلی روایتی عبارت از قابل باور بودن یک بیانیه یا یک ادعای علمی است. روایتی هر ادعای ذاتی نیست بلکه ویژگی و خصوصیتی است که افرادی که این ادعا برای آنها مطرح می‌شود به آن اطلاق می‌کنند. بعضی اوقات روایتی یک اظهار نظر (بیانیه) فقط به دلیل صلاحیت فردی است که آن را بیان می‌کند. با این حال برای قضاوت در مورد روایتی ادعاهای علمی و ارزش‌گذاری عملی آن این ادعاها باید بر اساس ارزش شواهد و استدلال‌های مطرح شده در مورد آن باشد.

بنابراین یک بیانیه یا ادعای علمی به‌طور ذاتی دارای روایتی نیست بلکه روایتی آن تابعی از قضاوت‌های بین فردی (بین‌ذهنی) است. روایتی یک بیانیه یا اظهار نظر به اجماع نظر بین مجموعه‌ای از سخنگوهاست. فرایند ارزش‌گذاری در قلمرو تعاملات سمبلیک اتفاق می‌افتد. در قضاوت‌های روایتی از نوعی خردپذیری (منطقیت) ارتباطی استفاده می‌شود که به غیر از مداخلاتی که می‌تواند نتایج ارزیابی شده را توجیه کند همه توجیحات ممکن بدون قانون خاص هدایت می‌شوند (پولکینگورن، ۲۰۰۷، ص ۴۷۰).

به اعتقاد ریزمن (۲۰۰۸) ارزش‌گذاری روایتی ادعای علمی یک فرایند مکانیکی نیست بلکه عمل استدلالی است. هدف فرایند ارزش‌گذاری متقاعد کردن خوانندگان است. مبنی بر اینکه این ادعاها مطالب تأیید شده هستند و می‌توانند به‌عنوان یک اساس یا پایه برای شناخت و فعالیت در حوزه انسانی مورد استفاده قرار بگیرند. موضوعات تحقیق روایتی مربوط به رویدادهای معنی‌دار زندگی مردم است و به چگونگی درک و شناخت مردم نسبت به موقعیت‌ها، دیگران و خودشان می‌پردازد.

همه تحقیق‌های روایتی دارای بخش تفسیر صریح نیستند. یافته‌های تولید شده به همان صورت داستان باقی می‌مانند. داستان‌ها به تنهایی برای شناخت تفاوت‌های زندگی شرکت‌کنندگان کافی هستند. روایتی داستان با جزئیات دقیق و توصیفات آشکار آن اثبات می‌شود. در تحقیق‌های روایتی که بخش خاصی برای تفسیر داستان‌های گردآوری شده تخصیص داده شده است. محققان باید تفسیرهای خود را برای خوانندگان توجیه کنند. هدف کلی تحلیل تفسیری متون داستانی افزایش شناخت خواننده نسبت به مقصود و مفهوم داستان است. تفسیر فقط یک خلاصه یا بخشی از یک متن داستانی نیست. بلکه شرح و تفسیری است که معنی و مقصود متن را آشکار می‌سازد و معانی ضمنی متن را بیرون کشیده تا درک سایر متون میسر شود و تأثیر مجموعه‌های اجتماعی و فرهنگی بر زندگی مردم را آشکار می‌کند. در بعضی از موارد تفسیر روایتی بر روابط داخلی موجود در متن داستانی تأکید دارد و مضامین آن را بیرون کشیده و نوعی طرح داستان را مشخص می‌کند، در سایر

موارد تأکید بر محیط اجتماعی و فرهنگی است که وقایع داستان زندگی و معانی مرتبط با آن را شکل می‌دهند (پولکینگورن، ۲۰۰۷، ص ۴۷۵). این خوانندگان هستند که باید در مورد موجه بودن ادعاهای علمی که بر اساس شواهد و استدلال محقق است قضاوت کنند. اعتمادی که خواننده به ادعای علمی روایت دارد تابع مستدل بودن و منطقی بودن استدلال‌های مبتنی بر شواهدی است که محقق روایتی ارائه می‌دهد.

ملاحظات در رویکرد «روایت در جایگاه تحقیق» (NAR)

در این روش جدید، محقق در فرایندی از یادگیری درگیر می‌شود که در درجه اول براساس عمل نگارش داستان قرار گرفته است، روشی برای یادگیری که بیشتر در آن مانند یک نویسنده داستان^۱ عمل می‌شود. در حالی که RAN با استفاده از روش‌های پژوهشی کیفی قدیمی با مشارکت‌کنندگان پژوهش‌های مشترک و جمعی درگیر می‌شود (به‌طور مثال مصاحبه‌ها و مجلات) و تنها در درجه دوم نسبت به انشا و نوشتن داستان متعهد می‌باشد. اما رویکرد روایتی NAR از ویژگی مشارکت جمعی^۲ برخوردار نیست و در عوض به نوشتن روایتی^۳ به‌عنوان اولین ابزار جمع‌آوری و تحلیل داده می‌پردازد. این فرایند با پیشینه پژوهش مانند یک نویسنده داستان که معمولاً در زمان نزدیک شدن به پروژه داستان امور را به عهده می‌گیرد، تکمیل می‌گردد (ملو، ۲۰۰۷).

بررسی رویکرد روایتی به لحاظ موضوعات محوری پژوهش که قبلاً در محیط RAN بررسی شده‌اند، نقاط قوت و چالش‌های رویکرد روایتی را در برابر رویکرد RAN نشان خواهد داد. توالی موضوعات تحت بررسی با ترتیب زمانی ادامه نخواهد یافت و در عوض بر اساس اینکه کدام موضوع مطالب دیگر موضوعات را به بهترین شکل می‌رساند ادامه می‌یابد (به‌طور مثال، در بخش NAR برخلاف بخش RAN، موضوع - جمع‌آوری و تحلیل داده، بهتر از - انتشار (اشاعه) و مخاطب، مطلب را می‌رساند بنابراین این بخش مطلب را ادامه می‌دهد). رویکرد روایتی NAR دستاورد نسبتاً جدیدی در پژوهش رسمی برای بررسی و تحقیق روایتی می‌باشد. ضمناً اگرچه مثال‌ها و نمونه‌ها نادر و جدیداند اما وجود دارند و اهداف NAR را نشان می‌دهند (لگو، ۲۰۰۵،

1 writing stories

2 collaborative participants

3 engages in narrative

4 Mello

5 Leggo

ص ۹۸). لگو، نمونه‌ای از NAR ارائه می‌دهد، این بررسی روایتی سعی می‌کند تصویری خیالی از مری را نشان دهد که تلاش می‌کند با وجود محدودیت‌های یک مکتب بنیادگرای دینی^۱ نه تنها از طریق ابزار پژوهش رسمی که از تجربیات شرکت‌کنندگان مشترک غربال شده استفاده کند بلکه تا حدودی به جای درک و به خاطر سپردن تجربه شخصی از شرح حال نویسنده که به امر تدریس می‌پردازد کمک بگیرد.

مورفی^۲ (۲۰۰۴) در حالی که پروژه‌ای از RAN را دنبال می‌کند به‌طور پراکنده در مورد یادگیری روایتی از طریق نگارش صحبت می‌کند. در حالی که وی نسبت به حوزه پژوهش میدانی متعهد بود، متون میدانی معمولی از مرحله جمع‌آوری و تحلیل اولیه داده در RAN را ایجاد می‌کرد، تصمیم گرفت به‌طور موقتی این متون میدانی را کنار بگذارد و در عوض عنوان پژوهش خود را از طریق نوشتن داستان در حالی بررسی نمود که داستانی با عنوان متون خیالی^۳ مقدماتی^۳ ایجاد کرد. مورفی سعی داشت از طریق کار نوشتن و نوشتن داستان به‌طور ویژه درک متفاوتی از بازنویسی متون میدانی را تجربه کند. نوشتن متون موقت داستانی به او امکان داد تا از متون میدانی فاصله بگیرد. این کار به او کمک کرد تا به پژوهش خود به روش جدیدی نگاه کند.

«نوشتن داستان، ابزار منحصر به فردی برای مشاهده موضوع یک پژوهش در اختیار او می‌گذاشت که با چشم‌اندازی که در متون میدانی RAN ارائه می‌شد متفاوت بود. به‌طور مثال، رمان کوتاه داستانی - با نام لکه رنج‌آور -^۴ موضوعاتی از قبیل هنر و معنویت را از نقطه نظری بررسی کرد که اگر از رویکرد RAN استفاده کرده بود هرگز به آن نمی‌رسید. اما تکیه روش RAN بر متون میدانی و علمی، جای گرفتن نقطه نظر یک موجود ماوراءالطبیعی در متن داستان را با دردرس و چالش روبرو می‌ساخت.»^۵ ۲۰۰۶

پایان‌نامه سامشیمای^۶ (۲۰۰۶) نمونه دیگری از روش NAR ارائه می‌کند. بررسی روایتی وی با برجسته نمودن ابزار استاندارد پژوهش، از مرحله اولیه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها (به‌طور مثال مصاحبه‌ها) در رویکرد RAN اجتناب ورزید، داستان وی در عوض از سرچشمه تخیل آگاه^۶ خود او جاری می‌شود. بنابراین پایان‌نامه سامشیمای نمونه مناسبی از رویکرد NAR و نمونه کاملاً موفقی از آن است.

1 fundamentalist religious school

2Murphy

3fictional interim texts

4The Pain Stain

5Sameshima

6informed imagination

سامشیما (۲۰۰۶) برنده چهار جایزه، رساله برتر جامعه محققان و معلمان ادبیات ۲۰۰۷ CSSE، جایزه رساله انجمن کانادایی تربیت مدرس ۲۰۰۷ CSSE، جایزه SIG پژوهش آموزش ادبیات و علوم انسانی برای رساله برتر، ۲۰۰۷ AERA و جایزه رساله برتر ۲۰۰۷ Ted T. Aoki در حوزه تحقیقات دوره آموزشی گردید. علاوه بر این وی برنده جایزه جردن و ماریون اسمیت آدر آموزش هنر و ادبیات شد. تمجیدات و تحسیناتی که از رساله سامشیما به عمل آمد به خوبی نشان می‌دهد که رویکرد NAR با تمام نوپایی و تازگی خود، به واقع می‌تواند در حوزه پژوهش آموزشی به طور کامل پذیرفته شود؛ و دید کاملاً مثبتی را جذب نماید.

مطابقت رویکردهای متغیر داستان‌نویسان با یادگیری مقدماتی^۳ پیش از نگارش، سابقه پژوهشی که یک محقق NAR (روایتی) می‌بایست در تدارک آن برای نگارش مقدماتی خود نسبت به آن متعهد گردد، می‌تواند همچون تمایلات محقق رسمی، به‌گزین و گسترده باشد. چنین یادگیری مقدماتی می‌تواند فعالیت‌هایی از جمله کتب مشاوره،^۴ مشاوره با افراد آگاه، بازدید از محل‌ها و یادگیری تجربی را دربر داشته باشد (کلاندینین، ۲۰۰۶).

همچنین تحقیق مقدماتی رمان لکه رنج‌آور کلاندینین و مورفی (۲۰۰۷) شامل جستجو و بررسی ابزار بسیار قدیمی خالکوبی^۵ در اینترنت، بحث در مورد خالکوبی با افراد دارای خالکوبی و مشاهده و بازدید از سالن‌های خالکوبی بود.

تفاوت رویکرد NAR از رویکرد RAN

در واقع یک محقق NAR ممکن است تصمیم بگیرد تا زمان بسیار زیادی از وقت خود را صرف یادگیری مقدماتی نماید که فرایند سابقه پژوهش وی مانند مرحله اولیه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ای در رویکرد رسمی تر RAN، گسترده باشد. محقق روایتی NAR حتی می‌تواند از اشخاصی که موضوع پژوهش را به طور مستقیم تجربه کرده‌اند، اطلاعات جمع نماید. و این کار را با کمک گرفتن از ابزار جمع‌آوری اطلاعات از جمله مصاحبه ضمن انعکاس رویکردها و روندهای اولیه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ای RAN انجام می‌دهد. این امر این سؤال را پیش می‌کشد که اگر یک محقق روایتی NAR درگیر شدن و وارد شدن به پیش‌زمینه پژوهشی گسترده‌ای را انتخاب می‌کند

1 Outstanding Dissertation

2 Gordon and Marion Smith

3 learning pre-compositional

4 consulting books

5 antique tattooing equipment

سپس آیا فرایند تحقیق وی با آنچه RAN آن را دنبال می‌نمود یکسان است به این معنا که از آنجا که این رویکرد اکنون دارای مرحله جمع‌آوری و تحلیل داده‌ای است بنابراین مرحله نوشتن داستانی را مانند آنچه در RAN رخ می‌دهد دنبال می‌کند؟ پاسخ به این سؤال این است: در واقع این دو بسیار به هم نزدیک‌اند. RAN و NAR دوگانه و دو وجهی نیستند، آنها از شکلی انعطاف‌پذیر برخوردارند که یکی از نقاط قوت تحقیق و بررسی کیفی است و در واقع ممکن است در رویکردهای پژوهشی هم‌پوشانی داشته باشند (لگو، ۲۰۰۵، ص ۹۷). با این حال کلاندینین و مورفی (۲۰۰۷) اذعان دارند حتی با وجود فرایند سابقه پژوهشی گسترده که شامل جمع‌آوری اطلاعات از اشخاصی باتجربه مستقیم از موضوع پژوهش می‌شود، رویکرد NAR از رویکرد RAN متفاوت خواهد بود زیرا:

(الف) رویکرد روایتی NAR چنین افرادی را ذاتی و مرکز فرایند روایتی NAR نشان می‌دهد؛
 (ب) رویکرد NAR به چنین اشخاصی به چشم همکار محقق نمی‌نگرد و بنابراین آنها را به چشم شرکت‌کننده در تحقیق می‌بیند؛

(ج) رویکرد NAR به دنبال درگیر شدن با چنین افرادی به شکلی غیررسمی است. به‌طور مثال مصاحبه‌ای در رویکرد RAN با یک شرکت‌کننده، موجب انتخاب روشمندی در پاسخ‌های شرکت‌کننده در جستجوی مفاهیم و گرایش‌ها و غیره خواهد شد در حالی که مصاحبه در رویکرد روایتی NAR با شخصی نسبتاً آگاه ممکن است تنها بحثی غیررسمی باشد که ثبت نمی‌گردد و تنها به‌طور روشمند تحلیل می‌گردد. به اعتقاد کلاندینین و مورفی (۲۰۰۷) بحث با دارندگان خالکوبی در مورد خالکوبی در مرحله آماده‌سازی برای نگارش زمان لکه‌ای دردناک، (الف) به این معنا نبود که این اشخاص مرکز نگارش رمان بودند؛ (ب) این اشخاص را به شرکت‌کنندگان در پژوهش بدل نمی‌کرد. تنها آنها همکاران پژوهش بودند و (ج) این مرحله به‌طور غیررسمی انجام شد.

نقاط قوت RAN و NAR

مسئله جستجو و تحقیق قبل از نگارش، ماهیت متغیر نقاط قوت RAN و NAR را به شکلی که بر اساس ادعای دانش محقق استوار است نشان می‌دهد:

در RAN بر طبق وجود تراکم شرکت‌کنندگان همکاری‌کننده، این رویکرد به دنبال محور و پایه قرار دادن تجربیات شخصی در مورد موضوع می‌باشد. در زمان عدم وجود شرکت‌کننده مناسب، NAR ممکن است کمتر بر پایه تجربیات شخصی از موضوع تکیه کند.

اینکه RAN به تجربیات مشارکت‌کننده‌گانش کاملاً می‌چسبد و با شرکت‌کنندگان به‌طور گروهی انجام می‌شود تا حدودی از لحاظ جمع‌آوری گزارش اطلاعات جدیدی که به‌طور قابل توجهی فراتر از تجربیات و ایده‌های این شرکت‌کنندگان گسترش می‌یابد محدود می‌گردد. با این حال NAR، با تجربه هر شرکت‌کننده همکاری‌کننده‌ای محدود نمی‌شود و تکیه آن بر تخیل، فرصت بیشتری در اختیار NAR قرار می‌دهد تا در مرزهای جدید علم و دانش به‌طور صبورانه پیشرفت کند (کلاندینین، ۲۰۰۷، ص ۳۸).

بنابراین NAR می‌تواند دور دست‌تر از RAN در حوزه‌های جدید دانش پرواز کند. حتی از این‌رو می‌تواند به‌طور بالقوه دورتر از تصویر درستی از رفتار انسان پرواز نماید. جالب اینکه، آماده شدن و تحقیق پیش از نگارش در NAR نیز ممکن است شامل مشورت در زمینه آثار داستانی متمرکز بر موضوعات مشابه در محیط‌ها و ژانرهای یکسان باشد. این امر به محقق NAR این اطمینان را می‌دهد که وی به دنبال توسعه اطلاعات جدید خود است و داستان ارائه شده توسط او را در بازار گسترده داستان جای می‌دهد.

در RAN، مرحله دوم جمع‌آوری و تحلیل داده (مرحله نگارش داستان) به شکل بافت و محیطی برای خودآموزی محقق‌درمورد شخصیت خود، شخصیت خود در رابطه با موضوع پژوهش و شخصیت خود به‌عنوان نویسنده عمل می‌کند. در رویکرد NAR، فرایند داستانی برای رسیدن به این هدف ادامه خواهد یافت. در واقع نبود شرکت‌کننده در NAR که در RAN وجود دارد پیش‌زمینه روند یادگیری شخصیتی محقق NAR را تشکیل می‌دهد. نمونه‌ای از چنین یادگیری شخصی را می‌توان در نگارش رمان قصه‌نویس مشاهده کرد که در آن به‌عنوان یک نویسنده به‌طور خاص شیفته ریتم‌های متفاوت قصه‌پردازی افسانه‌ها هستیم. با توجه به اینکه رویکرد NAR، مرحله اولیه جمع‌آوری داده‌ای RAN را نادیده می‌گیرد و به شدت بر فرایند نگارش داستان خود تأکید می‌ورزد، می‌توان پرسید که چه چیزی تلاش می‌کند این فرایند را در یک پژوهش NAR حفظ کند، به‌طور مثال اگر یک رمان بلند، این فرایند را حفظ کند صرفاً فقط یک رمان این چنین است؟ بنابراین آیا رمان سیر قهقرا تا خباثت‌گه رمانی از سیر قهقرایی سیاستمداران است، نمونه‌ای از NAR می‌باشد؟ آیا هر گونه رمانی را می‌توان عملی از فرایند NAR در نظر گرفت؟

1genres

2researcher's self-learning

3Story teller

4Regression to the Mean

5Regression Politics

(بادی یانگ، ۲۰۱۲، ص ۸۳).

سامشیا (۲۰۰۶) پیشنهاد می‌کند که روایت NAR را از داستان تخیلی که تنها داستانی در حالتی ایستا و ثابت است متمایز کنیم زیرا روایت NAR از ویژگی‌های یک سند نگارشی علمی^۱ (CAD) برخوردار است. گذشته از این از چشم‌انداز نظری، NAR را می‌توان از نوشته‌ای داستانی که تنها یک داستان است با استفاده از آزمایشی پیشنهادی از سوی ریچاردسون^۲ (۲۰۰۰، ص ۹۲۴) متمایز نمود: این ادعا و دلیل با توجه به نقش و کاربرد روایت و داستان توسط نویسنده صورت می‌پذیرد.

علی‌رغم مبهم بودن ژانرهای حقیقی و علی‌رغم درک همزمان ما که تمام نوشتارها، نوشته‌ای روایتی هستند، وی ادعا می‌کند که هنوز تفاوتی عمده، داستان را از نوشتار علمی جدا می‌سازد. این تفاوت این نیست که آیا این متن حقیقت یک داستان تخیلی یا غیرتخیلی است بلکه ادعا و دلیل نویسنده نسبت به متن است. دلیل نوشتن داستان بر اساس دلیل نوشتن به لحاظ مخاطبی که نویسنده به دنبال آن است، تأثیری که بر افراد متفاوت خواهد داشت و انتظاری که از آن توقع می‌شود با نوشتار علمی متمایز می‌گردد، همچنین ادعای حقیقی^۳ که می‌بایست ارزیابی شود.

ادعای ریچاردسون (همان، ص ۹۲۶) بر این اساس که تفاوتی بین داستان در جایگاه پژوهش و داستان که تنها نوشتاری داستانی است حول محور دلیلی قرار دارد که نویسنده در نوشتن نوشتار در نظر داشته است که بدون توجه به اینکه تمامی روایت‌ها به‌طور بالقوه می‌توانند منبعی برای تحقیق روایتی تلقی گردند و بدون توجه به اینکه تعریف تحقیق روایتی آن‌قدر گسترده و وسیع است که به‌طور استعارگونه در نیتی رنگ می‌بازد (و یا حداقل با حوزه ادبیات ادغام می‌گردد)، خود تفاوتی کلیدی و مهم است. از آنجا که هوس^۴ هرگز ادعا نکرد که رمان وی (سیر قهقرا به سوی خباثت) نوشتاری پژوهشی است اما این نوشتار به‌طور کلی نه یک پژوهش و نه به‌طور خاص یک روایت بود.

بسیاری از امتیازاتی که در RAN نسبت به نگارش علمی قدیمی به لحاظ برقراری ارتباط واضح و نوآورانه^۵ وجود دارد نیز امتیازاتی هستند که داستان روایتی رویکرد NAR از آن برخوردار است که می‌تواند آنچه را که یک زبان شرح‌گفتمان ادبی نمی‌تواند آن را نشان دهد، آشکار سازد به‌طور مثال داستان روایتی NAR می‌تواند با استفاده از احساس، کنایه، تلمیح و گفتن حالت،

1 companion academic document

2Richardson

3truth claims

4House

5communicating innovatively and clearly

6innuendo

ایده‌هایی انتزاعی را حقیقت ببخشد و بین نظریه و عمل پل بزند. زبان داستان روایتی NAR را می‌توان نسبت به متون عادی تحقیق (که تنها برای نخبگان تحصیلکرده قابل درک است) بیشتر به خط فکری خوانندگان نزدیک کرد. یکی از فرضیات پیشرفته در حمایت از رویکرد RAN آن است که پژوهش کیفی معمولی غالباً آن‌قدر در رویکرد انتشار تفسیری خود خسته‌کننده است که نظر بیشتر دانشگاهیان را بر نمی‌انگیزد، چه رسد به اینکه خط فکری مخاطب را در نظر بگیرد (لگو، ۲۰۰۸).

در پاسخ به این مسئله، طرفداران رویکرد RAN، نوید جالب‌تر شدن رویکرد RAN در نشر را که از شکل داستانی‌اش ناشی می‌گردد بیان می‌کنند. با این حال طرفداران رویکرد RAN اذعان می‌دارند که نمی‌توان انتظار داشت که داستان و روایت‌های RAN به سطح کیفیت هنری موجود در بازار اصلی داستان برسند و رویکرد RAN بیشتر تلاش می‌کند تا در برخوردهایی که داستان روایتی آن از ساختار پژوهشی آشکاری برخوردار است و از آن پیروی می‌کند، نظر خوانندگان را جلب نماید (به‌طور مثال بخش‌های اختصاص داده شده به موضوعاتی از قبیل روش‌شناسی و یافته‌های تحقیق،^۳ و با این حال رویکرد روایتی NAR، امیدواری بیشتری برای برآورده ساختن وعده RAN ایجاد می‌کند (ریسمن، ۲۰۰۷)).

NAR: انتشار و مخاطب

در مورد جلب نظر مخاطب، درست زمانی که RAN با استفاده از روایت به دنبال بهبود پژوهش کیفی قدیمی خود می‌باشد، رویکرد NAR حتی بیشتر بر داستان و روایت خود متمرکز می‌گردد و به دنبال بهینه‌تر شدن نسبت به رویکرد RAN خواهد بود. به اعتقاد لگو (۲۰۰۵) رویکرد RAN، نظر و توجه محقق را بین دو مرحله متفاوت جمع‌آوری و تحلیل داده‌ای تقسیم می‌کند که تنها یکی از آنها بر نگارش داستان متمرکز می‌گردد. با این حال رویکرد NAR به‌طور کامل‌تر به فرایند نگارش روایت متمرکز می‌گردد و این‌گونه تخصیص و تفویض بیشتر تلاش محقق به روایت، موجب دستیابی به داستانی روایتی با کیفیت برتر و عالی می‌گردد. منظور از روایتی با کیفیت عالی بیان داستانی بود که دارای آرایش مشخصه‌هایی است که عبارتند از: چشم‌انداز بهتر، ضعف کمتر در سبک، وضعیت بهتر در به‌کارگیری موفق تکنیک‌ها و روش‌های بسیار، وضعیت بهتر در نشان دادن نوآوری موفق.

1Implication

2Methodology

3Literature Review

اگرچه NAR نسبت به رویکرد RAN از امتیازات بیشتری به لحاظ جلب نظر مخاطب برخوردار است اما محقق رویکرد NAR هنوز با عمل فوق‌العاده دلهره‌آوری در نگارش داستانی که بتواند در جذب مخاطبی به غیر از مخاطب عادی دانشگاهی به طور موفق عمل نماید مواجه است زیرا، محقق رویکرد NAR با دو منبع رقابت مواجه است؛ الف) نویسندگان حرفه‌ای که در بازار اصلی داستان و روایت رقابت می‌کنند و ب) دیگر اشکال رسانه‌ای که از فیلم و بازی‌های کامپیوتری گرفته تا اینترنت رده‌بندی می‌شوند و با داستان ادبی رقابت می‌کنند. رویکرد NAR از این رو نیازمند محققانی است که از سطح بالای مهارت نگارشی برخوردار باشد. در می‌یابیم که تلاش‌های بعدی برای نشر داستان‌های کوتاه با رقابت از سوی دیگر نویسندگان حرفه‌ای و دیگر اشکال رسانه‌ای روبرو خواهد بود و این امر نیازمند ایمان^۴ و تعهد فوق‌العاده نسبت به مهارت نگارشی^۵ به منظور انجام پژوهش بر اساس رویکرد NAR می‌باشد (بادی یانگ، ۲۰۱۲، ص ۹۴-۹۵).

مانند آنچه در RAN وجود دارد، NAR فرصتی برای درگیر شدن با شکل زبان و شکل روایت برای شرکت‌کنندگان خود فراهم می‌سازد. علاوه بر این عزم رویکرد NAR بر روایت و فراوانی بیشتر مخاطب متمرکز می‌باشد که رویکرد NAR در آن به دنبال جلب نظر خواهد بود و غالباً اعضای خود را به صمیمیت و همدلی بیشتری با زبان و شکل روایت هدایت خواهد کرد.

زبان و شکل روایت

با این حال سطح مهارت در زبان و شکل روایت مورد نیاز برای رقابت در بازار ادبیات، بزرگ‌ترین و تنها چالشی است که محققانی که در آرزوی پیاده کردن طرح NAR است با آن روبرو می‌شود. دشواری سخت و کوبنده تسلط بر عناصر زبان و شکل روایت با توجه به محققانی که می‌توانند نسبت به رویکرد NAR متعهد بمانند از معانی ضمنی خاصی برخوردار است.

۱. رویکرد NAR که به دنبال گسترش حوزه‌ای فراتر از مخاطبان علمی قدیمی است و همچنین قرائتی جدید را طلب می‌کند معمولاً می‌تواند تنها تعهد افرادی که پیش از این از سطح حرفه‌ای بالایی در مهارت نگارش داستان و روایت برخوردارند و شاید تنها از فرهیختگان نگارش

1 professional writers

2 media forms

3 literary fiction

4 faith

5 writing expertise

خلاق‌اند را حفظ نماید؛

۲. یک محقق NAR که دارای سطحی از مهارت نگارش روایت و داستان می‌باشد به این معنا که در سطحی شایسته اما کمتر از حد سطح حرفه‌ای قرار دارد در واقع در برابر درخواست قرائت علمی عادی محدود خواهد شد؛

۳. محققى که از سطح قابل تحسین و مناسبی^۱ از مهارت نگارش روایت و داستان برخوردار نیست، احتمالاً نخواهد توانست داستانی را بنویسد که بتواند علاقه و توجه مخاطبان علمی را حفظ نماید و چنین محققى نمی‌بایست به وفاداری نسبت به رویکرد NAR توجه داشته باشد و یا بپذیرد که دگرگون‌پذیری تحقیق روایتی NAR او در ابتدا بر خود تحقیق متمرکز خواهد شد؛

۴. محققى که سطح مهارت نگارش داستانی آن به سطح حرفه‌ای بسیار نزدیک باشد در واقع می‌تواند با امید به پیشرفت در دانش و مهارت داستان‌نویسی خود و رساندن آن به سطح حرفه‌ای در شرایط و محیط فرایند تحقیق روایتی (NAR) نسبت به رویکرد NAR متعهد^۲ بماند و ممکن است به‌طور بالقوه مخاطب جدیدی را جذب نماید (بادی یانگ، ۲۰۱۲ و لگو، ۲۰۰۵).

NAR: ذهنیت و قابلیت تعمیم‌پذیری

رویکرد NAR احتمالاً با انتقاداتی مواجه خواهد بود که از جمله آنها نبود عینیت است و ضمنی بودن آن قابلیت تعمیم‌پذیری آن را خصوصاً به این دلیل که رویکرد NAR از اساس قرار دادن تجربیات شرکت‌کنندگان در رویکرد RAN اجتناب می‌کند، کاهش می‌دهد ضمن اینکه داستان رویکرد NAR شکل‌گیری محقق رویکرد NAR را کامل‌تر می‌سازد و بنابراین حتی آن را ذهنی‌تر می‌سازد. این امر تعهدی را بر دوش محقق NAR قرار می‌دهد تا اثر و نشانه مشخصی در روایت خود بر جای بگذارد به طوری که تعامل محقق با متن و موضوع پژوهش تا حد ممکن می‌بایست واضح، قابل مشاهده و قابل ارزیابی باشد. زمانی که این اثر و نشانه واضح و آشکار باشد، تحقیق به احتمال بیشتر قابل تعمیم می‌گردد، زمانی که این نشانه واضح نباشد، متن از تعمیم‌پذیری غیرقابل اعتمادی برخوردار است. اگرچه NAR ممکن است ضمنی بودن را بپذیرد اما نمی‌تواند در نهایت ضمنی بودن درگیر شود و قابلیت تعمیم‌پذیری تضعیف می‌گردد (بادی یانگ، ۲۰۱۲).

قابل توجه اینکه درجه ذهنیت بیش از اندازه^۳ به این معنا نیست که رویکرد NAR می‌بایست

1laudable

2undertake

3Subjectivity and Generalizability

4excessive subjectivity

فی نفسه برای دستیابی به عینیت تلاش کند زیرا رویکرد NAR نمی‌تواند بدون توجه به ارائه تم‌های بزدلانه و محجوبی که ممکن است مانع تولید علم بشری گردند به عینیت نسبت داده شود. محققى که با آرزوی عینیت در یک محیط و بافت NAR فعالیت می‌کند بیشتر به پیشواز خطر رکود و ایستایی^۱ ناشی از رشد شخصی محقق می‌رود که اگر به هر حال وجود می‌داشت ذاتاً ذهنی می‌بود. یک محقق رویکرد NAR می‌بایست برای حفظ فاصله‌گذاری بین ذهنیت و عینیت تلاش کند که حالتی از داستان‌نویس معتدل و دقیق^۲ است که وفاداری^۳ نسبت به بیان حقیقی ماهیت رفتار انسانی است (سامشیا، ۲۰۰۶ و لگو، ۲۰۰۵).

واکوی سیر دو رویکرد در پژوهش روایتی

با این استاندارد، دو رویکرد تحقیق و مطالعه روایتی تحقیق در جایگاه روایت (RAN) و روایت در جایگاه تحقیق (NAR) را می‌توان به ترتیب مطلع از ادبیات و مبتنی بر ادبیات بررسی نمود. زیرا رویکرد RAN معمولاً از متون میدانی غیر هنری-ادبی استفاده می‌کند که تنها متعاقباً داستان را تولید می‌کنند در حالی که رویکرد NAR به‌طور کامل تر بر اساس هنر نوشتن داستان قرار دارد. ریچاردسون^۴ (۲۰۰۰) نوشتن را در جایگاه تحقیق و بررسی به‌عنوان شکلی از تحقیق کیفی قوم‌نگاری^۵ دسته‌بندی می‌کند که وی آن را با قوم‌نگاری CAP بیان می‌کند. سر واژه CAP بر فعالیت‌های تحلیلی خلاق^۶ دلالت دارد و از فعالیت‌هایی از جمله شعر، نمایشنامه، گفتگو،^۷ تئاتر و غیره متشکل شده است (ریچاردسون، ۲۰۰۰، ص ۹۲۹).

تفاوت‌ها و تشابهات بین دو رویکرد

مهم‌ترین تفاوت اصلی بین RAN و NAR در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها است. ترکیب روایتی در RAN فقط جمع‌آوری داده‌های ثانویه و فاز تحلیل است در حالی که در NAR ترکیب روایتی

1stagnation

2conscientious

3fidelity

4arts-informed

5arts-based

6art of fiction composition

7Richardson

8ethnography

9creative analytic practices

10poetry, drama, conversations

عبارت از جمع‌آوری داده‌های اولیه و فاز تحلیل است. با این حال NAR واقعیتی را که در روایت وجود دارد برنمی‌سازد بلکه NAR از دانشی که از تجربیات گذشته فرد به دست آورده استفاده می‌کند و تحقیق اولیه را می‌نویسد و سپس از طریق فرایند ترکیب روایتی و تصویری که به دست آورده از این آگاهی‌های خود نتیجه‌گیری می‌کند. پیش‌زمینه‌ای که برای ترکیب روایتی NAR استفاده می‌شود براساس تمایل محقق می‌تواند جامع، گزینشی و رسمی باشد. این یادگیری اولیه می‌تواند شامل فعالیت‌هایی از قبیل مشاوره با افراد آگاه و مشاهده سایت‌ها و آموزش تجربی باشد.

نکات اشتراک و افتراق بین دو رویکرد

جدول ۲: تحقیق در جایگاه روایت RAN (بادی یانگ، ۲۰۱۲)

مراحل فرایند تحقیق	تحقیق در جایگاه روایت RAN
تعیین مسئله تحقیق	محققان RAN به دنبال فهم و ارائه مجدد تجربیات از طریق داستان‌هایی که افراد با آنها زندگی کرده‌اند و در مورد آنها صحبت می‌کنند.
مرور بر ادبیات	۱. محققان داستان‌های شرکت‌کنندگان در تحقیق را مورد تأکید قرار داده و پژوهش‌های کارشناسانه را در جایگاه بعدی قرار می‌دهند؛ ۲. به‌عنوان مثال محققان ممکن است مسیر یا ساختار اساسی گزارش تحقیق‌شان را به جای اینکه از طریق مرور بر ادبیات یا چارچوب نظری به دست آورند. آنها را از طریق داستان‌هایی که مشارکت‌کنندگان بیان می‌کنند به دست می‌آورند؛ ۳. پژوهش‌های کارشناسانه (علمی) می‌تواند برای تفسیر داستان‌های شرکت‌کنندگان دستورالعمل ارائه دهند به عبارت دیگر از طریق این داستان‌ها معنی دقیق‌تری یا شناخت جدیدتری را به دست بیاورند.
بیان هدف و سوالات تحقیق	محققان RAN به دنبال کشف تجربیات افرادی هستند که از طریق داستان‌های آنها بیان می‌شوند.
جمع‌آوری اولیه داده‌ها و تحلیل	۱. محققان RAN محاسبه‌ها، نامه‌ها و عناوین مجلات TEXT FIELD را جمع‌آوری می‌کنند که این موارد داستان‌های فرد را اثبات می‌کنند؛ ۲. محققان RAN برای به دست آوردن مفاهیم، انگیزه‌ها، روش‌ها و غیره با همکاری مشارکت‌کنندگان داده‌ها را تحلیل می‌کنند و این تحلیل‌ها اولین مجموعه نتیجه‌گیری را تشکیل می‌دهد؛ ۳. این تحلیل اغلب بر موضوعات روایتی تأکید دارد مثل شخصیت، تضاد؛ ۴. این مرحله به‌عنوان فرصتی برای محقق عمل می‌کند که از طریق آن شناخت نسبت به خودشان را تجربه کنند. خودشان را نسبت به موضوع در نظر بگیرند و خودشان را به‌عنوان تحلیل‌گر نیز در نظر بگیرند.
جمع‌آوری داده‌های ثانویه و تحلیل (ترکیب روایتی)	۱. محققان RAN برای ایجاد تم‌های اولیه برای ساخت روایت از نتیجه‌گیری‌های اولیه استفاده می‌کنند؛ ۲. محققان RAN داستان‌های مشارکت‌کنندگان را مجدداً با روایتی که خودشان بازگو می‌کنند؛ ۳. بعضی اوقات این روایت ساختار تحقیقی آشکاری دارد؛ ۴. ترکیب روایت به‌عنوان فرصتی برای محقق است که از طریق آن شناخت نسبت به خودشان

<p>را تجربه کنند و خودشان را به‌عنوان تحلیلگر و نویسنده در نظر بگیرند؛ ۵. ترکیب روایت برای تحلیل مجدد تم‌ها استفاده می‌شود و این امر می‌تواند به‌طور بالقوه منجر به ارائه نتیجه‌گیری اصلاح شده شود. با این فرضی که تم‌ها پیوسته از طریق فرایند تحقیق RAN متحول می‌شوند.</p>	
---	--

جدول ۳: روایت در جایگاه تحقیق (NAR) (بادی یانگ، ۲۰۱۲)

مراحل فرایند تحقیق	روایت در جایگاه تحقیق (NAR)
تعیین مسئله تحقیق	محقق روایتی به دنبال کشف موضوع با استفاده از ترکیب روایتی است.
پیشینه تحقیق (آموزش‌های مقدماتی)	<p>۱. محقق NAR در مورد مسئله پژوهش بررسی‌های زمینه‌ای انجام می‌دهد به همان صورتی که نویسندگان قدیمی این کار را انجام می‌دادند. این تحقیق شامل: استفاده از اطلاعات مرجع مثل کتاب‌ها، مصاحبه با افراد آگاه، مشاهده سایت‌ها و مشارکت در آموزش‌های تجربی؛</p> <p>۲. تحقیق زمینه‌ای NAR می‌تواند شامل پژوهش علمی باشد، اما این پژوهش‌های علمی در درجه اول اهمیت قرار نمی‌گیرند؛</p> <p>۳. تحقیق زمینه‌ای NAR ممکن است شامل داستان‌های گذشته باشد که تأکید آنها بر یک ژانر و یک موضوع باشد؛ به‌گونه‌ای که محقق بتواند: از پیشرفت دانش جدید به وسیله این داستان‌ها مطمئن شود و روایت‌های پیشنهادی خود را در فضای گسترده داستان قرار دهد.</p>
تعیین عنوان / مسئله تحقیق ارائه تم‌های اولیه	محقق NAR برای تعیین یک عنوان یا مسئله کلی تحقیق از مسئله تحقیق و پژوهش‌های زمینه‌ای خود استفاده می‌کند. محقق در مورد عنوان یا مسئله تم‌های اولیه واضحی را ایجاد می‌کند، اما می‌داند که این تم‌ها احتمالاً تغییر خواهد کرد.
	این مرحله وجود ندارد.
ترکیب روایتی	<p>۱. محقق روایتی با استفاده از تحقیق زمینه‌ای و تجارب فردی خود و تصویری که در این زمینه به خوبی شکل گرفته روایتی را در مورد عنوان یا مسئله تحقیق ارائه می‌دهد؛</p> <p>۲. ترکیب روایتی فرصتی است که محقق در مورد خودش تجربه کسب می‌کند. خودش را در جایگاه موضوع، تحلیل‌گرو نویسنده قرار می‌دهد؛</p> <p>۳. ترکیب روایتی وسیله‌ای است برای کشف تم‌های اولیه. این تم‌ها احتمالاً از طریق فرایندهای پیش‌نویس به میزان زیادی متحول خواهد شد؛</p> <p>۴. تم‌های نهایی تا حدودی دارای ابهام هستند که این ابهام‌ها بر اساس اهداف فردی محقق انتخاب می‌شوند.</p>

بحث و نتیجه‌گیری

روایت‌گری، معمولاً، با بخش نوینی از معنا که بازیگران در مواجهه با یک موقعیت بدیع مشاهده می‌کنند و فرض خود را درباره اینکه چه رخ داده است، آغاز می‌شود. بخش‌هایی از معنی که حول این جزئیات شکل می‌گیرد، ممکن است تحت یک داستان موقت گرد هم آید. داستان‌ها را به یک تخته شبرجه تشبیه می‌کنند؛ که به نقطه شروع رویکردهای جدیدی که افراد در ذهن خود دارند، اشاره دارد و سبب ساخت روایت‌های جدید می‌شود. فرایند توسعه روایت‌گری بر منطقی بودن تفاسیر نوظهور در هر زمان تأکید دارد.

روش روایتی ابزاری است که از طریق داستان معنا را ایجاد و منتقل می‌کند و دانش را آشکار می‌سازد. آنچه اهمیت دارد روایتی است که از این حادثه برای مردم شکل می‌گیرد. دستیابی به شکل خاصی از تجربه، آغاز فرایندی است که در آن افراد حوادث را درک می‌کنند. تحلیل داستان‌هایی از تجربیات زندگی به چرایی و چگونگی علاقه‌مندی جامعه‌شناسان به روایت می‌پردازد. چرایی این امر این است که متون روایتی اطلاعات جامعه‌شناختی قوی دارند و بسیاری از داده‌های تجربی این رشته هم شکل روایتی دارد. روایت در انتقال دانش اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. با استفاده از این روش می‌توان دانش ضمنی و غیرضمنی، (دانش قابل اندازه‌گیری کمی و دانش غیرقابل اندازه‌گیری) را به هم مربوط ساخت. این روش با تأمل در روایت‌ها به دنبال فردیت‌ها می‌گردد و به درک بلاغت‌ها و معنابخشی کمک می‌کند. روایت یک تاریخ جمعی و یک تجربه مفهومیابی است. اینکه چه کسی ساختار روایتی را زیر سؤال می‌برد و بر تحول شکلی آن اثر می‌گذارد بستگی به موقعیت جمعیتی و فرهنگی دارد. تحقیق روایی توان بالقوه واقعی خود را هنگامی آشکار می‌کند که بخش‌های مهم فرایند تحقیق به یکدیگر پیوند خورده باشند (کلاندینین و کونلی، ۲۰۰۰، ص ۲۰).

تحقیق روایتی روش شناخت و بررسی تجارب از طریق «همکاری بین محقق و شرکت‌کنندگان در طی زمان، مکان و یا مکان‌های مختلف و تعاملات اجتماعی با محیط است». سه وجه مشترک تحقیق روایتی موقتی بودن، اجتماعی بودن و مکان‌دار بودن است که به‌عنوان یک چارچوب مفهومی عمل می‌کنند. این مشترکات ابعادی هستند که باید به‌طور همزمان در تحقیق روایتی در نظر گرفته شوند. وقایعی که مورد بررسی قرار می‌گیرند به صورت موقتی در حال تغییر هستند. تحقیقات روایتی هم به شرایط فردی (احساسات، امیدها، آرزوها، واکنش‌های زیباشناختی ...) و همزمان به شرایط اجتماعی یعنی شرایطی که تجربه‌ها و وقایع در آن رشد می‌کند اشاره دارد. این شرایط اجتماعی تا حدودی از روایت‌های فرهنگی، اجتماعی، سازمانی و زبان‌شناختی مشخص می‌شوند. دومین بعد از وجه اشتراک اجتماعی بودن به رابطه بین زندگی محقق و شرکت‌کنندگان در تحقیق توجه دارد (کلاندینین، ۲۰۱۰، ص ۴۳۶).

داستان روایتی (روایت) به‌عنوان شکلی از تجربه زندگی عمل می‌کند که امتیازات آموزشی و قابل‌تغییری را در طول تحقیقی که از شیوه نگارش علمی تفسیری استاندارد استفاده می‌کند به تحقیق و بررسی روایتی می‌بخشد و تجربه روایتی (داستانی) حتی امتیازات قابل‌تغییر مشخصی را

1Temporality

2Place Sociality and

3lived life experience

در تجربه زندگی روزانه^۱ به اشتراک می‌گذارد. این امتیازات آموزشی و قابل تغییر از همه جانبه‌گرایی حسی تجربه روایتی، فراوانی چشمگیر رخدادهایی با طرح‌های توانمند و محکم^۲ که حتی ممکن است به طور متفاوت رخدادهایی غیرممکن را نیز دربر گیرد، اجتناب از ناباوری داستان، فراگیری تم‌ها در روایت‌ها، حاصل و نتیجه تجربه روایتی که از جزئیات مرتبط قابل اعتماد و قوی برآمده است، ایجاد فواصل مفید بین خواننده و وقایع داستان که بازتاب و واکنش مؤثری را تسهیل می‌سازد و چگونگی نوشتن شخصیت یک قدرت عینی توسط نویسنده ناشی می‌گردد. در واقع تمام عناصر شکل داستانی به منظور تقویت قدرت موضوعی^۳ تکامل یافته است زیرا ادبیات غالباً نقش اخلاقی را برآورده ساخته است. اگر تمامی این موارد در مورد تجربه روایتی در بافت RAN صدق کند، در مورد تجربه روایتی در یک بافت روایتی NAR نیز صدق می‌کند.

1 daily life

2 potent plot

3 thematic power

منابع

- پرینس، جرالڈ (۱۳۹۱)، روایت‌شناسی، شکل و کارکرد روایت، ترجمه محمد شهباء، تهران: مینوی خرد.
- تولان، مایکل (۱۳۸۶)، روایت‌شناسی؛ درآمدی زبان‌شناختی انتقادی، ترجمه سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت.
- حقیقی، مانی (۱۳۷۸)، گزینش و ویرایش، سرگشتگی نشانه‌ها، نمونه‌هایی از نقد پسامدرن، تهران: مرکز.
- ریمون کنان، شلومیت (۱۳۸۷)، روایت داستانی بوطیقای معاصر، ترجمه ابوالفضل حرّی، چاپ اول، تهران: نشر نیلوفر.
- Aristotle) trans. 1967, (*Aristotle :Poetics*) .G .F.Else ,Trans .(Ann Arbor :University of Michigan Press.
- ABBOTT ,POR TER ,(۲۰۰۲) The Cambridge Introduction to Narrative, Cambridge University Press: Cambridge Introductions to Literature, 0521659698 , ۹۷۸۰۵۲۱۶۵۹۶۹۷pp.۱-۱۱۲
- Ambrosini, V. and Bowman, C. (2001), Tacit knowledge: Some suggestions for operationalization ,*Journal of Management Studies* ۳۳۸ , (۶)pp .۸۱۱-۸۲۹
- Beech, N. (2000), Narrative styles of managers and workers: A tale of star-crossed lovers ,*Journal of Applied Behavioural Science* ۳۶ , (۲)pp .۲۱۰-۲۲۸
- Buddy Young ,Allan (۲۰۱۲), Exploring a New Narrative Inquiry Approach, Simon Fraser University Library Burnaby ,BC ,Canada .Pre quest, pp .۱-۳۵۰
- Clandinin ,D J (۲۰۱۰), Narrative Inquiry, Qualitative Research University of Alberta, Edmonton, AB, Canada, Elsevier pp.۴۳۶۴۴۱
- Clandinin ,D .J(۲۰۰۷) ., Preface .In Clandinin ,D .J) .Ed (*Handbook of narrative inquiry :Mapping a methodology* Sage. pp۱-۳۴ .
- Clandinin ,D .J & ,Murphy ,M.S(۲۰۰۷) ., Looking ahead :Conversations with Elliot Mishler ,Don Polkinghorne ,and Amia Lieblich .In Clandinin ,D .J .Ed Hand book of narrative inquiry :Mapping a methodology Sage .pp .۶۳۲-۶۵۰
- Clandinin ,D .J & ,Connelly ,F .M(۲۰۰۰) ., *Narrative inquiry :Experience and story in qualitative research* .San Francisco ,CA :Jossey Bass.

- Clandinin ,D .J & ,Murphy ,M.S(۲۰۰۷) ., Looking ahead: Conversations with Elliot Mishler, Don Polkinghorne, and Amia.
- Clandinin ,D .J & ,Rosiek ,J(۲۰۰۷) ., Mapping a landscape of narrative inquiry : Borderland spaces and tensions .*Handbook of narrative inquiry :Mapping a methodology* :Sage .pp.۳۵-۷۵
- Connelly ,F .M .and Clandinin ,D .J(۲۰۰۶) ., Narrative inquiry .In Green ,J, Camilli , G ,and Elmore ,P) .eds (Handbook of Complementary Methods in Education Research ,pp ۳۷۵ - ۳۸۵ Mahwah ,NJ :Erlbaum.
- Chase ,S .E(۲۰۰۵) ., Narrative inquiry :Multiple lenses ,approaches ,voices .In N .K .Denzin & Y .S .Lincoln Eds ,(The sage handbook of qualitative research) rd ed ,pp (۶۵۱-۶۷۹ CA :Sage Publications.
- Creswell ,J .W(۲۰۰۷) ., Qualitative approaches to inquiry. In *Qualitative inquiry and research design :Choosing among five approaches* ۲nd ed ,pp (۵۳-۸۴ Thousand Oaks ,CA :Sage Publications ,Inc.
- Engholm P. (2001), The controversy between modernist and postmodernist views of management science: Is a synergy possible? Academic papers in management , Monash University ,May ۲۰۰۱
- Hoogland ,C & ,Wiebe ,N(۲۰۰۹) ., *Narrative inquiry faq* .Retrieved December 12, 2010 from Narrative Inquiry in Education: Inquiry Through Writing site : <http://www.narrativeinquiry.ca/faq.html#Q11/>
- Leggo ,C(۲۰۰۵) ., Synonyms :Fiction & knowing .In W .Gershon ,T Kelly ,K .Kesson & ,W .Walter-Bailey) Eds ,(De(liberating curriculum and pedagogy : Exploring the promise and perils of "scientifically based" approaches) pp ۸۵-۹۸ .
- Nilsen RD (۲۰۰۵), Searching for analytical concepts in the research process: learning from children .*International Journal of Social ,Research Methodology* ;۲۰۰۵ ۸ :(۲) pp 35-117.
- Paul ,TM (۲۰۱۳), Narrative Interviews :An Alternative Method to the Study of Mentoring Adoption by Information Systems Project Managers ,ScienceDirect : Procedia Technology (۲۰۱۳) ۹ pp ۶۳۸-۶۴۵
- Polkinghorne ,Donald E (۲۰۰۷), Validity Issues in Narrative Research ,Qualitative Inquiry Volume ۱۳ Number, ۴ pp ۴۷۱-۴۸۶ Sage Publications.

- Riessman ,C(۱۹۹۳) ., Narrative analysis) Qualitative research methods series .(۳۰
Newbury :Park, CA: Sage
- Richardson ,L(۲۰۰۰) ., Writing :A method of inquiry ,Handbook of qualitative
research) nd ed ,pp .(۹۲۳-۹۴۸ Thousand Oaks, CA: Sage
- Riessman, Catherine Kohler(۲۰۰۸) , Narrative Methods for the Human Sciences .
CA ,USA :SAGE Publications ۲۴۴ ,pages ,Volume , ۱۱ No , ۱ .Art. ۱۹ .
- Riessman ,C .K & ,Speedy ,J(۲۰۰۷) ., Narrative inquiry in the psychotherapy
professions :A critical review .In Clandinin ,D .J) .Ed (*Handbook of narrative
inquiry :Mapping a methodology* .Sage) pp.(۴۲۶-۴۵۶
- Schwandt ,T .A(۲۰۰۷) ., Narrative inquiry .*The Sage dictionary of qualitative
inquiry*) rd ed ,p(۲۰۴ , Thousand Oaks ,CA :Sage Publications.
- Clandinin DJ. Narrative inquiry: A methodology for studying lived experience .
Research Studies in Music Education;۲۰۰۶ ۲۷ :(۱) .۴۴
- Lieblich A, Tuval-Mashiach RZ, Tamar .*Narrative Research :reading, analysis, and
interpretation* .Thousand Oaks ,California :Sage Publications ۱۹۹۸ ;
- Cohan ,S & ,Shires ,L .M(۱۹۸۸) ., *Telling stories :a theoretical analysis of narrative
fiction* .New York :Routledge .Book sections.
- de Mello ,D .M(۲۰۰۷) ., The language of arts in a narrative inquiry landscape .In
Clandinin ,D .J) .Ed(, *Handbook of narrative inquiry :Mapping a methodology* .
pp۲۰۳-۲۲۳